

اسلام دارای نظام اقتصادی است

حجت الاسلام سیدحسین میرمعزی^(۱)

پیشگفتار

مشاجرات و اختلافات فراوانی پیرامون ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی وجود دارد. برخی از علماء تشیع معتقدند اقتصاد اسلامی همان احکام و قوانین اقتصادی است که در کتاب مکاسب محرّمه و بیع و سایر کتابهای باب معاملات در فقه مانند کتاب مضاربه، مساقات، مزارعه، شرکت، اجاره، جعاله و ... وجود دارد. برخی همچون شهید صدر معتقدند که اسلام دارای مذهب و مکتب اقتصادی است و برخی دیگر می‌گویند اسلام دارای علم اقتصاد نیز هست. بعضی نیز بطور کلی منکر اقتصاد اسلامی شده و می‌گویند اسلام تنها اهداف و ارزشهای کلی را ارائه کرده است. احکام و قوانین موجود در حوزه اقتصاد غالباً امضایی و مخصوص عصر ائمه علیه السلام می‌باشد و باصطلاح از احکام ثابت و جهان شمول اسلام نیست.^(۲)

در میان علماء اهل سنت نیز این اختلافات وجود دارد. شیخ علی عبدالرزاق معتقد است که شریعت اسلام مشتمل بر نظام اقتصادی نیست. دکتر محمد عبدالجواد محمد می‌گوید اسلام نظام اقتصادی کامل ندارد بلکه اسلام در حوزه اقتصاد دارای قواعدی است که با تغییر جوامع، تطوّر می‌یابد و استثناء قاعده تحریم ربا باب تغییر و تطوّر در

۱- عضو هیئت علمی و مدیر گروه اقتصاد پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی

۲. لازم به ذکر است گروه اقتصاد پژوهشگاه و فرهنگ و اندیشه اسلامی کتابی تحت عنوان «مجموعه مقالات ماهیت و ساختار اقتصاد اسلامی» در دست نشر دارد. در آن کتاب مستندات این اقوال غیر از قول اخیر که مشهور به قول اقلی است، وجود دارد.

عرصه‌های تجاری و اقتصادی باز است. عبدالسمیع المصری معتقد است اسلام شکل عام (قواعد کلی و عمومی) را ارائه کرده و جزئیات را به ما واگذارده تا به تناسب هر زمان و مکان و بر اساس عرف هر منطقه، حکم آنها را وضع کنیم.

دکتر محمد شوقی الفنجری معتقد است اقتصاد اسلامی اقتصادی الهی از حیث مذهب و اقتصاد وضعی (و بشری) از حیث نظام و تطبیق است. دکتر محمود الخالدی نیز می‌گوید شریعت اسلام شامل همه افعال انسان و مشتمل بر راه‌های همه مشکلات انسان در گذشته و حال و آینده است. (۱)

هدف در این نوشتار اثبات آن است که اسلام افزون بر حقوق و مکتب اقتصادی دارای نظام اقتصادی نیز می‌باشد. قبل از استدلال لازم است مفهوم نظام و نظام اقتصادی را از دیدگاه خود تبیین کنیم تا موضوع استدلال روشن گردد. لذا ابتدا این مفهوم را با الهامی که از کتاب تحلیل و مقایسه نظامهای اقتصادی، نوشته و کلاوها لسوسکی، گرفته‌ایم توضیح می‌دهیم.

سپس سه دلیل بر اینکه «اسلام دارای نظام اقتصادی» است اقامه خواهیم کرد. دلیل اول دلیل کلامی و با استفاده از جهان بینی اسلام است. دلیل دوم آیات و روایاتی است که دلالت بر شمولیت دین مبین اسلام می‌نماید و دلیل سوم بررسی آیات و روایاتی که مشتمل بر احکام و قوانین در حوزه معاملات و اقتصادیات می‌باشند. در خاتمه نیز به اشکال ثبات شریعت و تغییر جوامع پاسخ خواهیم داد.

مفهوم نظام و نظام اقتصادی

واژه نظام به مفهوم خاص آن سابقه بسیار ندارد. این واژه در سالهای ۱۹۵۰ - ۱۹۵۶ میلادی با مطرح شدن تئوری عمومی نظامها به وسیله برتالانفی، زیست شناس آلمانی،

۱. ر.ک. الاقتصاد فی الاسلام، الدكتور محمود الخالدی، مكتبة الرسالة الحديثة الطبعة الاولى، ۱۴۰۶ هـ ۱۹۸۶ م، صص ۴۸-۳۵.

مفهوم خاص خود را یافت و بعدها با کاربرد این تئوری در رشته‌های مختلف علوم و حوزه‌هایی مانند نظام اقتصادی، نظام ارتباطات و نظام اطلاعات متداول شد.^(۱)

«نظام در تئوری عمومی نظامها به مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدفهای معینی هم آهنگ‌اند».^(۲)

به اختلاف اهداف اجزاء و روابط بین آنها نظامها متفاوت می‌شوند و نظامهای تکوینی (نظام آفرینش)، نظامهای ساخته دست بشر (نظام حاکم بر یک اتومبیل یا هواپیما) و نظامهای اجتماعی بوجود می‌آیند. اجزاء نظامهای اجتماعی، مردم، رفتارها و روابط آنهاست که برای اهداف از پیش تعیین شده سامان می‌یابد. در اینجا مقصود از نظام اجتماعی نظام حاکم بر زندگی انسانها با همه ابعاد آن است. که شامل زیرنظامهایی چون نظام سیاسی، نظام اقتصادی، نظام فرهنگی و امثال آن است.

از آنجا که اجزاء نظام اجتماعی را انسانها و رفتارها و روابط بین آنها تشکیل می‌دهد و از سویی رفتارها و روابط در انسان بر اساس بینشها و ارزشها شکل می‌گیرد، مقوله دیگر در تعریف نظام اجتماعی وارد می‌شود و آن مبانی اعتقادی و ارزش است. در نظام اجتماعی با دیدی کلان رفتارها و روابط گروههای مردم بر اساس مبانی اعتقادی و ارزشی خاصی به سمت اهداف معینی نهادینه می‌شوند.

بر این اساس، نظام اقتصادی نیز یکی از زیر نظامهای، نظام اجتماعی است، و از «اقتصادی» اشاره به بعد خاصی (و نه قسم خاصی) از رفتارها و روابط مردم دارد که بر اساس محاسبه هزینه و فائده و به منظور تأمین معاش انجام می‌گیرد. اهداف کلان نظام اقتصادی می‌تواند عدالت اقتصادی، استقلال، رفاه عمومی و رشد و توسعه اقتصادی و اموری از این قبیل باشد. البته تفسیر و رتبه‌بندی این اهداف در نظامهای مختلف به

۱. مقدمه‌ای بر تئوری‌های سازمان و مدیریت، داوود مدنی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه نور، ۱۳۷۳، ص

۲. نظریه سیستمها، چارلز وست چرچمن، ترجمه رشید اصلانی، چاپ دوم، نشر مرکز مدیریت دولتی، ۱۳۶۹،

اختلاف مبانی اعتقادی و ارزشی آن متفاوت است.

اجزاء نظام اقتصادی چیست؟ و کلاوهاالسوسکی در این باره می‌گوید:

«چهار دسته اصلی از عناصر وجود دارند که یک سیستم اقتصادی را تشکیل

می‌دهند: منابع، شرکت کنندگان، فرآیندها و نهادها».^(۱)

سپس درباره هر یک از این عناصر چهارگانه توضیحات مفصلی می‌دهد که به دلیل

نیاز ما به این بحث خلاصه آنرا با اضافاتی نقل می‌کنیم.

الف - منابع

لیست متنوعی از منابع را می‌توان بر شمرد؛ زمین، منابع طبیعی خام، آب و هوا، خصوصیات فیزیکی و شیمیایی و زیستی اشیاء، ابزارهای تولید، ساختمانها، کارخانه‌ها و وسایل حمل و نقل و ارتباطات، کامپیوترها، کتابها، ذخیره پولی و دیگر دارائیهها، سرمایه انسانی و مهارت و اطلاعات انباشته شده و تکنولوژی.

به طور کلی، مجموع دارائیهها و ثروتهای طبیعی و غیر طبیعی یک ملت را می‌توان در

این لیست قرار داد. ارقام منابع با گذشت زمان تغییر نموده و با پیشرفت کشفیات و اختراعات، افزایش می‌یابد.

ب - شرکت کنندگان

اینها طبیعتاً مردم هستند که ممکن است به صورت افراد یا گروهها ملاحظه شوند.

برای اغراض تحلیلی معمولاً مردم را به صورت گروههایی که اهداف مشترک دارند در

نظر می‌گیرند. در ادبیات اقتصادی شرکت کنندگان یک سیستم اقتصادی را به سه زیر

مجموعه تقسیم می‌کنند: بنگاهها (که عمدتاً داده را به ستاده تبدیل می‌کند)، خانوارها

1. Economic Systems analysis and comparison, Vaclav Holesovsky, Mc. Graw. Hill Inc. 1977. PP.

(که از سوی مصرف کننده نهائی ستاده‌ها هستند و از سوی دیگر عرضه کننده کار و سرمایه می‌باشند) و دولت.

مکاتب مختلف در تعریف و ماهیت دولت با هم اختلاف دارند. می‌توان دولت را مجموعه‌ای نامید که پاسدار منافع افراد و تولید کننده کالاهای عمومی است و می‌توان گفت دولت پاسدار منافع و مصالح اجتماعی است و علاوه بر تولید کالاهای عمومی در مواردی که مصلحت ایجاب نماید تولید کالاهای دیگر و نیز صادرات و واردات را نیز بعهده می‌گیرد و می‌توان تعاریف دیگری از آن کرد.

نکته دیگر آنکه این تقسیم، تقسیم اشخاص نیست بلکه تقسیم شخصیت‌هاست. در واقع همه تولیدکنندگان مصرف کننده نیز هستند و غالب مصرف کنندگان (به غیر از سالخوردهگان و معلولین و امثال این دو) تولید کننده نیز هستند. همچنین کارمندان دولت را مردم تشکیل می‌دهند که همگی مصرف کننده‌اند.

البته این تقسیم به اغراض تحلیلی صورت می‌گیرد و در صورت لزوم می‌توان آن را تغییر یا گسترش داد.

ج - فرآیندها

فرآیندها عملکرد نظام اقتصادی را توضیح می‌دهند. عناصر فرآیند ترتیبی منطقی را تشکیل می‌دهند. این ترتیب با اطلاعات شروع می‌شود که زمینه تصمیمات قرار می‌گیرد. تصمیمات اجرا می‌شوند و نتایجی را می‌آفرینند:

نتایج → اجرا → تصمیمات → اطلاعات

نتایج می‌تواند رشد تولید، کیفیت توزیع درآمد، تغییر قیمتها، انباشت موجودی انبار، درجه بیکاری، گسست محیطی، اختراعات و اکتشافات جدید باشد. بدین ترتیب در یک سیستم اقتصادی می‌توان از فرآیند تولید، فرآیند توزیع، فرآیند تغییر قیمتها و بیکاری و امثال آن نام برد.

د - نهادها

مقصود از نهادها الگوهای خاص روابطی هستند که شرکت‌کنندگان را به یکدیگر گره می‌زنند. همچنین شکلها و الگوهای عناصر فرآیند در عمل می‌باشند. «نهادها» در این معنا انتزاعات تحلیلی هستند که نباید آنها را با ساختمانها (از قبیل ادارات، کارخانجات یا مراکز مبادله سهم و کالاها) که در آنها بعضی از این الگوهای تثبیت شده رفتاری رخ می‌دهد، اشتباه گرفت. برای مثال «بازار» یک نهاد اقتصادی به معنای الگوی تثبیت شده خرید و فروش است. مالکیت خصوصی یک نهاد است: این نهاد استفاده از اشیاء خاص را نهادینه می‌کند و حق استفاده از آن را فقط برای افراد خاصی قرار می‌دهد. همچنین قرض دادن و گرفتن، هدیه، مالیات بندی، نهادهای اقتصادی هستند. این الگوها از طریق قواعد قانونی، مجازاتهای اجتماعی، نظامهای اعتقادی و فرهنگی، در جوامع تثبیت (نهادینه) می‌شوند.

از آنچه که از وکلاوها و سوسکی نقل شده پیداست این تحلیل درباره نظامهای موجود در خارج کاربرد بیشتری دارد. به خصوص فرآیندها که عملکرد نظام را توضیح می‌دهند، بیشتر در این رابطه می‌باشند. برای آنکه بتوانیم از این مطالب برای تحلیل نظامی نظری که توسط مکتبی بشری یا الهی ارائه می‌شود، استفاده کنیم به تعدیلاتی نیاز است. بر این اساس ما بین دو مفهوم از نظام تفکیک می‌کنیم یکی نظام اقتصادی به مفهوم نظامی که در خارج موجود است و عمل می‌کند و نتایجی را در یک محدوده زمانی و مکانی خاص می‌آفریند. دوم طرح نظری نظام اقتصادی که می‌تواند دستاورد یک مکتب فکری بشری یا یک دین باشد. آنچه موضوع بحث ما در این نوشتار است طرح نظری نظام اقتصادی است. نظام اقتصادی در این اصطلاح دارای عناصر سه گانه زیر است:

۱ و ۲- منابع و شرکت‌کنندگان با همان تفسیر گذشته

۳- نهادها: مقصود الگوهایی هستند که روابط بین شرکت‌کنندگان و منابع و نیز روابط بین شرکت‌کنندگان را با یکدیگر بیان می‌کنند و بین آنها پیوند می‌زنند. این الگوها قابلیت

آنها دارند که به روش پیش‌گفته در جامعه تثبیت شوند.

بدین ترتیب در یک نظام اقتصادی دو نهاد قابل تشخیص است:

- ۱- نهادهائی که بیانگر نوع ارتباط بین شرکت‌کنندگان و منابع‌اند مانند الگوی مصرف، سرمایه‌گذاری، پس‌انداز و ...
- ۲- نهادهائی که بیانگر نوع ارتباط شرکت‌کنندگان در نظاممند؛ مانند الگوی خرید و فروش، الگوی اجاره، قرض، صدقه، هدیه و مانند آن (که بیانگر نوع ارتباط بین مردم‌اند) مالیات ستانی و صرف مخارج دولت (که بیانگر نوع ارتباط بین دولت و مردم‌اند).

در این اصطلاح به فرآیند اشاره‌ای نکردیم زیرا فرآیندها مربوط به مرحله تحقق خارجی طرح نظری نظام اقتصادی‌اند. یعنی پس از آنکه طرح نظری نظام اقتصادی طراحی شد یا به وسیله یک مکتب فکری ارائه شد، مرحله پیاده کردن این طرح نظری در شرایط زمانی و مکانی خاص فرا می‌رسد. در این مرحله است که فرآیندهای جمع‌آوری اطلاعات، تصمیم‌گیری و اجراء و بررسی نتایج به کار می‌آیند. البته در این مرحله نیز بعید نیست که بتوان اصولی را از منابع اسلامی استخراج کرد ولی در این مقاله نمی‌خواهیم به آن پردازیم و قصد داریم بحث خود را بر نظام اقتصادی به عنوان یک طرح نظری متمرکز نماییم. بر این اساس می‌توان نظام اقتصادی را چنین تعریف نمود:

«نظام اقتصادی عبارت است از مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری که شرکت‌کنندگان در نظام را به یکدیگر و به منابع پیوند می‌دهد و بر اساس مبانی اعتقادی و ارزشی مشخص، در راستای اهداف معینی به صورت هم‌آهنگ سامان یافته‌اند».

تعریف الگوی رفتاری

در این تعریف تنها مقصود از الگوی رفتاری مبهم است. آقای وکلاوهالوسوسکی تعریف مشخصی از آن ارائه نکرده است. در علم اقتصاد اثباتی برای درک و پیش‌بینی

رفتار انسانها روشی به کار می‌رود که اصطلاحاً به آن الگوسازی یا مدل سازی گفته می‌شود. الگو یا مدل در این اصطلاح عبارت است از نمایش ساده آن چیزهایی که تصور می‌شود مهمترین عوامل مؤثر در رفتار مورد مطالعه می‌باشند. الگوها تعمداً برخی عوامل را نادیده می‌گیرند تا بتوانند بر برخی عوامل دیگر تأکید ورزند. برای نمونه یک الگوی ساخته شده برای مطالعه عوامل مؤثر در پس‌انداز می‌تواند بر متغیرهایی مانند سطح درآمد، و نرخ تورم تأکید کند و عواملی همچون مقدار دارائی‌های افراد را نادیده بگیرد. الگوهای اقتصادی معمولاً به زبان توابع و اتحادهای ریاضی بیان می‌شوند و گاهی الگوهای مزبور را به صورت هندسی و گاهی به صورت جداول آماری نمایش می‌دهند.^(۱)

از آنجا که موضوع مورد بحث ما طرح نظری نظام اقتصادی است، لذا مقصود از الگوی رفتاری الگویی نیست که عوامل مؤثر در رفتار خارجی انسانها (آنگونه که هست و نه آنگونه که باید باشد) بیان می‌کند. بلکه مقصود الگویی است که توضیح‌دهنده رفتار انسانهایی است که تربیت یافته آن مکتب فکری یا دین می‌باشند. بنابراین وقتی الگوی مصرف، پس‌انداز و امثال آن سخن می‌گوئیم مقصود ما شرح ساده از انگیزه‌ها، قواعد و محدودیتهای مصرف و پس‌انداز فردی است که تربیت یافته آن مکتب می‌باشد. یا وقتی از الگوی صدقه، قرض یا مانند آن سخن می‌گوئیم مقصود الگویی است که توسط آن مکتب ارائه می‌گردد و مکتب مزبور در صدد تثبیت آن الگو در جامعه است.

اسلام دارای نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول است

بی‌تردید دین اسلام جهان بینی و ارزشهای خاصی را معرفی کرده است که با تغییر زمان و مکان تغییر نمی‌کنند و می‌توان به صورت منطقی اثبات کرد که جهان بینی و

۱. ر.ک. اصول علم اقتصاد، ۱- اقتصاد خرد، ریچارد دجی لیبسی، کالین هاربری، ترجمه و تألیف دکتر م. فکری ارشاد، نشر نیکا، ۱۳۷۸، ص ۷۱-۷۵ و اقتصاد کلان، دکتر فریدون تفضلی، نشر نی، چاپ دهم، ۱۳۷۶، ص ۱۸-۲۰

ارزشهای خاص، مستلزم اهداف خاصی نیز هستند. افزون بر این در منابع اسلامی (قرآن و احادیث) نیز به این اهداف تصریح شده است.

بر این اساس می‌توان گفت اسلام مبانی اعتقادی و ارزشی نظام اقتصادی اسلام و نیز اهداف آنرا بیان کرده است. این مطالب را چون کمتر مورد اختلاف است مفروض گرفته و بر آن استدلال نمی‌کنیم. اما آیا اسلام الگوهای رفتاری (یا نهادهای) خاصی را که جهان شمول و ثابت باشند نیز ارائه کرده است؟ یا آنکه این الگوها باید در هر زمان به تناسب شرایط تعریف و تثبیت شوند؟

شهید صدر (ره) پس از آنکه هر یک از علم و مذهب اقتصادی را تعریف کرده و فرق بین آن دو را بیان می‌دارد، اثبات می‌کند که اسلام تنها دارای مذهب اقتصادی است. ایشان مذهب اقتصادی را چنین تعریف می‌نمایند:

«مذهب اقتصادی مجموعه‌ای از نظریات اساسی است که مشکلات حیات اقتصادی را حل می‌کند»^(۱)

و در جای دیگر می‌فرمایند:

«مذهب اقتصادی هر قاعده‌ی اساسی در حیات اقتصادی که به عدالت اجتماعی مربوط شود را شامل می‌شود»^(۲).

ایشان در کتاب خود هیچ بابی را برای بحث از نظام اقتصادی اسلام نمی‌گشاید. ابتدا به نظر می‌رسد که ایشان فرقی بین مذهب و نظام اقتصادی نمی‌گذارند ولی با تفحص در کتاب اقتصادنا روشن می‌گردد؛ ایشان نیز درکی شبیه ما از مفهوم نظام اجتماعی دارد و نظام اجتماعی را مقوله‌ای مشتمل بر تحدید روابط مردم تعریف می‌کند. ولی در عین حال شهید صدر (ره) معتقد است که نظام اجتماعی در تاریخ انسانی شکل ثابتی نداشته بلکه به اختلاف ظروف و تغییر آنها، رنگهای مختلف به خود گرفته است. ایشان در

۱. اقتصادنا، شهید صدر (ره)، انتشارات المجمع العلمی للشهید الصدر (ره)، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ ق ج ۱، ص

۲. همان، ص ۳۸۱

بحث «علاقات التوزیع منفصلة عن شکل الانتاج» می فرماید:

«مردم در حیات اجتماعی خود دو کار انجام می دهند؛ یکی تولید و دیگری توزیع ... در عمل توزیع بین آنها روابط معینی برقرار می گردد که ارتباط بعضی افراد را به بعضی دیگر در شؤون مختلف حیات تحدید می نماید و این روابط همان است که آنرا «نظام اجتماع» می نامیم. در ضمن این روابط، روابط توزیع ثروتی که جامعه تولید کرده است نیز می باشد.»

و نیز می فرماید:

«بدیهی است که عمل تولید در حال تطوّر و تحوّل اساسی و دائم است ... همچنانکه نظام اجتماعی که روابط افراد را با یکدیگر تحدید می نماید ... شکل ثابتی را در تاریخ انسانی به خود نگرفته است؛ بلکه به اختلاف ظروف و تغییر آنها رنگهای مختلف به خود گرفته است.»^(۱)

بر این اساس می توان گفت شهید صدر (ره) به سؤال ما پاسخ منفی داده و معتقد است اسلام دارای الگوهای رفتاری ثابت و جهان شمول که روابط بین مردم را تحدید نماید، نیست.

در این نوشتار از سه طریق که در پیشگفتار به آن اشاره شد اثبات خواهیم کرد که اسلام دارای نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول است.

الف - دلیل کلامی

این دلیل بر مقدمات سه گانه زیر استوار است:

- ۱- مفهوم سعادت انسان و جامعه از دیدگاه اسلام از دیدگاه فائده گرایان که افکار آنها زیربنای مکتب سرمایه داری است انسانی

سعادت‌مند است که لذت‌های مادی و دنیوی او بیشینه و دردها و رنج‌های او کمینه باشد. لذا هدف غایی سرمایه‌داری آنها است که بیش‌ترین افراد به بیشترین لذت دنیوی با کمترین درد و رنج دست یابند.^(۱)

بی‌تردید یکی از گرایش‌های فطری انسان، گرایش به لذت و گریز از رنج است و این گرایش در انسان اختیاری نیست بلکه بصورت تکوینی در نهادش گنجانده شده است. ماهیت سعادت انسان نیز چیزی جز «لذت بیش‌تر و رنج کمتر نیست؛ ولی در این باره به دو قاعده عقلی و فطری نیز باید توجه کرد:

الف - لذتی که از جهت کمی پایدارتر است، بر لذت‌های موقت ترجیح دارد.

ب - لذتی که از جهت کیفی برتر است بر سایر لذت‌ها ترجیح دارد.

اشتباه بزرگ فائده‌گرایان آن است که لذت‌ها و رنج‌ها را در نوع مادی و دنیوی‌اش محصور می‌کنند؛ در حالی که بر اساس جهان‌بینی اسلامی، لذت‌ها و رنج‌های دنیوی از جهت کمیت و کیفیت با لذت‌ها و رنج‌های اخروی قابل قیاس نیست.^(۲) اسلام گرایش فطری به لذت و فرار از رنج را به رسمیت می‌شناسد و با دستورهای خود، انسان را به سمت لذت‌های برتر و پایدارتر راهنمایی می‌کند. از دیدگاه اسلام، انسانی سعادت‌مند است که سر جمع لذت‌های دنیوی و اخروی‌اش بیشینه گردد؛ و چون لذت‌های اخروی از لذت‌های دنیوی برتر است، در مقام تراحم، ترجیح دارد. بنابراین لذات دنیوی چنانچه به لذات اخروی انسان آسیب وارد نکند، مجاز شمرده می‌شود و می‌تواند در سعادت انسان تأثیر مثبت داشته باشد. به طور کلی لذت‌های این دنیا از جهت تأثیر منفی بر لذت‌ها و آلام آخرت سه نوع است:

الف - لذت‌هایی که مانع لذات ابدی و موجب عذاب اخروی است، عقل این لذت‌ها را

ممنوع می‌سازد.

۱. ر.ک: نظام اقتصادی اسلام، انگیزه‌ها و اهداف، سید حسن میرمعزی، کانون اندیشه جوان، چاپ اول، ۱۳۷۸،

صص ۶۱-۴۷ و ۲. و الآخرة خیر و ابقى. (اعلی (۸۷): ۱۷)

ب - لذتهایی که موجب عذاب اخروی نمی شود، ولی انسان را از لذائذ بیشتر آخرت محروم می کند. چنین لذتهایی عقلاً مرجوح است.

ج - لذتهایی که تنها با لذایذ خاص اولیای خدا و انسانهای متعالی تزاحم دارد این لذتها از نظر فقهی مباح شمرده شده؛ ولی برای اولیای خدا ارزش منفی دارد. راز امتناع خدا از لذتهای مباح و تجملات مشروع در این امر نهفته است.^(۱)

با توجه به مفهوم سعادت انسان از دیدگاه اسلام اکنون سؤال اینست که آیا طریق دستیابی به سعادت را اسلام می تواند با تکیه بر عقل و تجربه و با ابزار علمی بشناسد. مسلماً این از عهده عقل و علم خارج است. چگونه می توان بدون وحی تشخیص داد که رفتارهای ما در عرصه های مختلف زندگی و از جمله در عرصه اقتصاد و معاش چه تأثیری بر آخرت ما دارد؟ چه چیز را چگونه تولید و توزیع و مصرف کنیم تا سر جمع لذتهای دنیوی و اخروی ما بیشینه گردد؟

ممکن است گفته شود رفتارهای ما در عرصه اقتصاد دارای آثار اخروی نیست. در پاسخ می گوئیم هیچ دلیل عقلی روشنی بر این مطلب اقامه نشده است و به عقیده ما حتی درک این مطلب نیز از توانایی عقل و علم بیرون است. و این مطلب نیز باید توسط شرع مقدس اسلام بیان گردد و چنین دلیل شرعی بر عدم تأثیر رفتارهای اقتصادی در آخرت انسان وجود ندارد. بلکه بر عکس آیات و روایات فراوانی وجود دارند که وعده عذاب بر برخی رفتارهای اقتصادی همچون، ربا، اسراف و تبذیر و وعده ثواب بر برخی رفتارهای دیگر مانند صدقه قرض الحسنه، وقف، زکات و خمس داده اند.

۲- انسان در جهان بینی اسلام

هدف از آفرینش انسان^(۲) و بعثت انبیاء^(۳) تزکیه و تعلیم انسانها و حرکت دادن آنها به

۱. ر.ک: اخلاق در قرآن، استاد مصباح یزدی، ج ۲، صص ۲۰۷-۲۱۲

۲. جمعه () : ۲

۳. ذاریات (۵۱): ۵۶

سوی سعادت دنیا و آخرت (عبودیت پروردگار) است. انسان در نگرش اسلامی موجودی دو بُعدی است:

«و اذ قال ربك للملائكة اني خالق بشراً من صلصال من حما مسنون * فاذا سويته و نفخت فيه من روحي فقعوا له ساجدين»^(۱)

«و [ای پیامبر به خاطر آور] هنگامی که پروردگارت به فرشتگان گفت: من از گلی خشکیده، که از گل بد بویی گرفته شده بشری می آفرینم. هنگامی که کار آن را به پایان رساندم و از روح خود در او دمیدم، همگی برایش سجده کنید.»

آفرینش بدن انسان از خاک به بُعد مادی انسان و نفخ روح در آن به بُعد مجرد او اشاره دارد. واقعیت و حقیقت انسان روح اوست و همراهی روح و بدن در دنیا بدان سبب است که بدن ابزار کار روح در این دنیا است. بی تردید رفتارهای انسان در بدن و روح او تأثیر می‌گذارد. کیفیت خوردن، نوشیدن، پوشیدن لباس، کسب و کار و ... در هر بُعد اثر می‌گذارد. برخی رفتارهای اقتصادی در روح انسان دارای تأثیر مثبت است و او را در مسیر تشخیص اینکه چه رفتاری، چه اثری بر روح ما دارد، آیا در مسیر تکامل و سعادت ما اثر مثبت یا منفی دارد و تشخیص اینکه رباخواری یا تجمل‌گرایی یا کسب درآمد از راههای غیر مشروع حتی خوردن برخی غذاها و میوه‌جات و مشروبات چه تأثیری بر روح انسان دارد، از عهده عقل و علم خارج است. از این رو، باید رفتارهایی که بر حرکت انسان به سمت سعادت دارای اثر مثبت‌اند به وسیله وحی و کسانیه که به وحی متصل‌اند معرفی شود و از رفتارهای منفی متمایز گردند.

۳- نظام علت و معلول در جهان بینی اسلامی

از دیدگاه اسلام جهان دارای نظام متقن علی و معلولی است.

«ما تری فی خلق الرحمن من تفاوت فارجع البصر هل تری من فطور* ثم ارجع البصر

۱. حجر (۱۵): ۲۸ و ۲۹ همچنين سجده () : ۹ و مؤمنون () : ۱۲-۱۴

کرتین ینقلب الیک البصر خاسئاً و هو حسیر»

«در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضاد و عیبی نمی‌بینی! با دیگر نگاه کن آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟* بار دیگر به عالم هستی نگاه کن، سرانجام چشمانت در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده در حالی که خسته و ناتوان است؛ به سوی تو باز می‌گردد».

در مبانی فلسفی نظام سرمایه‌داری نیز نظام طبیعی پذیرفته شده است؛ ولی میان نظام جهان از دیدگاه قرآن و نظم مورد قبول نظام سرمایه‌داری دو تفاوت عمده وجود دارد:

۱- بر اساس دئیسم، گفته می‌شود خداوند تنها این نظم را پدید آورده و در پایداری‌اش نقشی ندارد. قرآن خداوند را نه تنها علت حدوث بلکه علت بقای این نظم نیز به شمار می‌آورد. از این دیدگاه اوست که به اسباب سببیت می‌بخشد و هستی را پایدار نگه می‌دارد.^(۱)

نتیجه این تفاوت آن است که بر اساس دئیسم نظم موجود جهان پیوسته ثابت است و علتها همیشه علت می‌مانند؛ ولی بر اساس دیدگاه قرآن خداوند قادر است هر گاه که مصلحت بداند علت را از هر علتی که بخواهد، سلب کند. چنان که در واقعه به آتش افکندن حضرت ابراهیم علیه السلام سوزاندگی را از آتش گرفت و آن را سرد ساخت.

۲- نظام طبیعی در مبانی فلسفی اقتصاد سرمایه‌داری، به جهان ماده محدود است؛ ولی از دیدگاه قرآن این نظم به جهان ماده منحصر نیست و مجردات را نیز شامل می‌شود. از این دیدگاه دو نظام علت و معلولی بر جهان حاکم است:

«تبارک الذی یدیه الملک»^(۲)

«پر برکت است خداوندی که عالم ملک (شهود) به دست اوست»

۱. «ان ربی علی کل شیء حفیظ» هود (۱۱): ۵۷

۲. ملک (۶۷): ۱

«اللہ لا الا الا هو الحی القیوم» بقره (۲): ۲۵۵

«فسبحان الذی بیده ملکوت کل شیء»^(۱)

«منزه است پروردگاری که ملکوت (عالم غیب) همه چیز به دست اوست»
ملک در آیه نخست، به معنای جهان طبیعت و ملکوت در آیه دوم، به معنای جهان غیب است. هر دو عالم به دست پر قدرت خداوند متعال برپاست و نظم آنها به او وابسته است. البته میان نظام علی و معلولی جهان مادی (ملک) و نظام علی و معلولی جهان مجرّد (ملکوت) تضادی نیست. بلکه بین آن دو ارتباط نیز وجود دارد. گاه یک پدیده در جهان طبیعت دارای علل مادی و مجرد است.

برای مثال فقر یک پدیده شومی است که علل مجرد نیز دارد. از این رو معصومان - سلام الله علیهم اجمعین - عواملی مانند کمک خواستن از خداوند، کردار نیک، صدقه دادن، نماز شب گذاردن و بسیار «لا حول ولا قوة الا بالله» گفتن را سبب از میان رفتن فقر ذکر کرده‌اند.^(۲)

قرآن کریم نیز به این گونه عوامل تصریح می‌نماید:

«ولو ان القرى آمنوا واتقوا لفتحنا عليهم بركات من السماء والارض»^(۳)

«اگر اهل شهرها و آبادیها، ایمان می‌آوردند و تقوا پیشه می‌کردند بركات آسمان و زمین را بر آنها می‌گشودیم».

«و من یتق الله یجعل له مخرجا و یرزقه من حیث لا یحتسب»^(۴)

«و هر کس تقوای الهی پیشه کند، خداوند راه نجاتی برای او فراهم می‌کند و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد».

در این آیات حاکمیت ایمان و تقوا بر جوامع سبب ریزش بركات مادی و معنوی و تقوا در فرد سبب گشایش مشکلات و افزایش روزی او شمرده شده است.

حضرت امیر علیه السلام در خطبه ۱۴۳ نهج البلاغه می‌فرماید:

۲. ر. ک. میزان الحکمة، ج ۳، ص ۴۸

۴. طلاق (۶۵) ۲ و ۳

۱. بیس (۳۶): ۸۳

۳. اعراف (۷): ۹۶

«خداوند بندگان خود را که به کارهای ناشایست مشغولند، به کم شدن میوه‌ها و بستن در خزائن نعمتها می‌آزماید تا توبه‌کننده متنبه شود و توبه کند و گناه را ترک کند و پند گیرنده پند گیرد و تشر خورده منزجر گردد؛ و خداوند سبحان استغفار را سبب فراوانی روزی و رسیدن رحمت قرار داد و فرمود: «از پروردگارتان آمرزش بخواهید که او آمرزنده گناهان است. ابر را می‌فرستد تا پیاپی بر شما بیارد و شما را به مال‌ها و پسران کمک می‌دهد»^(۱) پس خداوند رحمت کند مردی را که به توبه روی آورد و در برابر کردار زشتش طلب مغفرت کند و بر مرگ خود پیش گیرد. [پیش از مرگ توبه کند]»

حضرت امیر علیه السلام این خطبه را در زمان خشکسالی، برای طلب باران از خداوند رحمان، ایراد فرمود. شواهد زیادی در آیات و روایات وجود دارد که ذکر همه آنها از حوصله بحث ما خارج است.

نتیجه آنکه؛ شناخت عوامل مجرّد پدیده‌های اقتصادی از عهده عقل و علم خارج است و تنها خداوند حکیم است که به علل مزبور علم دارد و بدون وحی، انسان قادر نیست به این علل دست یابد.

بر اساس سه مقدمه پیش‌گفته از سویی سعادت انسان در «بیشینه کردن لذتهای دنیوی و اخروی با تقدّم لذتهای اخروی است» و از سوی دیگر انسان دارای دو بُعد مادی و مجرّد است و رفتارهای او در هر دو بُعد اثر می‌گذارد و از سوی سوم انسان در جهانی زندگی می‌کند که دو نظام علت و معلولی مجرّد و مادی بر آن حاکم است و پدیده‌های طبیعی (خشکسالی) و اجتماعی (فقر) دارای علل مادی و مجرّدند.

در این شرایط انسانها چگونه باید رفتارها و روابط خود را در همه عرصه‌ها و از جمله عرصه‌های اقتصادی تنظیم کنند تا با استفاده از نظام علت و معلولی حاکم بر جهان به سعادت دست یابند؟

بی تردید اینکار از عهده عقل و علم خارج است و تنظیم رفتارها و روابط و ارائه‌ی

الگوهای مطلوب بر عهده وحی است.

بر این اساس اگر اسلام نظامات اجتماعی و از جمله نظام اقتصادی را ارائه ننماید مردم را هدایت نکرده و راه دستیابی به سعادت را به آنها نشان نداده است. در حالی که خداوند سبحان در قرآن می فرماید:

«انا هدینا السبیل اما شاکراً و اما کفوراً»^(۱)

«ما راه [سعادت] را به انسان نشان دادیم، خواه شاکر باشد یا ناسپاس»

ب - آیات و روایات دالّ بر جامعیت شریعت اسلام

برخی از مفسرین از دو آیه زیر استفاده کرده اند که قرآن مشتمل بر هر آن چیزی است که در طریق هدایت انسان به آن نیاز دارد.

(ما فرطنا فی الكتاب من شی) ^(۲)

«ما هیچ چیز را در کتاب فروگذار نکردیم»

(و نزلنا علیک الكتاب تبیاناً لکل شی و هدی و رحمة و بشری للمسلمین) ^(۳)

«ما این کتاب را بر تو نازل کردیم که بیانگر همه چیز و مایه هدایت و رحمت و بشارت برای مسلمانان است».

ولی اگر مقصود از کتاب، قرآن کریم باشد (نه لوح محفوظ) و مقصود از تبیان بیان به وسیله دلالت الفاظ باشد، حقیقت آن است که در قرآن تنها کلیاتی از راه سعادت انسان و جامعه ای انسانی ذکر شده است و بسیار از اموری که انسان در طریق سعادت به آنها نیازمند است در روایات بیان گشته است.

بر این اساس همانگونه که مرحوم علامه طباطبائی فرموده است یا مقصود از کتاب،

۱. انسان (۷۶): ۳

۲. انعام (۶): ۳۸ برای تفسیر آیه مزبور، ر.ک: المیزان، ج ۷، صص ۸۲-۸۴

۳. نحل (۱۶) ۸۹ ر.ک: المیزان ج ۱۲، صص ۳۲۵-۳۲۶

لوح محفوظ است و یا مقصود از تبیان، دلالت از طریق لفظ نیست.^(۱) ولی روایات فراوانی وجود دارند که دلالت می‌نمایند شریعت اسلام نظامات اجتماعی مطلوب را برای اداره جامعه ارائه کرده است و همه چیز در این شریعت بیان شده است. در ادامه برخی از این روایات را نقل می‌کنیم.

۱- امام صادق علیه السلام در جواب سعید اعرج هنگامی که عرضه داشت: «نزد ما برخی از کسانی که تفقه می‌کنند وجود دارند که می‌گویند در برخی مسائل که حکم آن را در کتاب خدا و سنت پیامبر علیه السلام نشناخته‌ایم [کتابه از آنکه حکم آن در کتاب و سنت نیست] به رأی خود عمل می‌کنیم، حضرت فرمودند: دروغ می‌گویند هیچ چیز نیست مگر آنکه [حکم آن] در کتاب و سنت وجود دارد»^(۲)

۲- ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام نقل می‌کند که فرمود: «رسول خدا (ص) در حجة الوداع خطبه خواند و چنین فرمود: ای مردم، به خدا سوگند هیچ چیز نیست که شما را به بهشت نزدیک و از آتش دور کند، مگر آنکه شما را به آن امر کردم و هیچ چیز نیست که شما را به آتش نزدیک و از بهشت دور نماید، مگر آنکه شما را از آن نهی کردم».^(۳)

در این باره روایات متعددی وجود دارد که ذکر آنها از حوصله این مقاله خارج است.^(۴) این دو روایت همانند بسیاری روایات دیگر اطلاق دارند و شامل رفتارها و روابط در حوزه‌های مختلف از جمله اقتصاد، نیز می‌شوند. بر این اساس هیچ رفتار یا رابطه‌ای در اقتصاد نیست الا آنکه حکم آن در اسلام بیان شده و به آن امر یا از آن نهی شده است. این احکام را می‌توان با استفاده از روش اجتهاد، از آیات و روایات استنباط کرد و سپس الگوهای رفتاری مطلوب و مورد نظر اسلام را از آن حکم استنباط نمود.

۱- ر.ک. همان

۲. جامع الاحادیث، ج ۱، المقدمة، ص ۲۷۵

۳. بحار الانوار، ج ۲۶ کتاب الامامه، ابواب علومهم علیه السلام، باب ۱

۴. ر.ک: بحار الانوار، ج ۲۶، ص ۳۳، روایت ۵۲ و ج ۲، ص ۱۶۹، باب ۲۲ روایت ۳ و ص ۳۰۵، باب ۳۴ روایت

۴۹ و ص ۱۷۰، باب ۲۲، روایت ۸ و ص ۱۶۹، باب ۲۲، روایت ۲ و جامع الاحادیث، ج ۱ المقدمة، ص ۶۷

ج - بررسی دستورات اسلام در قرآن و روایات

این دلیل که در صفحات بعد به تفصیل آنرا بیان می‌کنیم از دو مقدمه و یک نتیجه تشکیل شده است:

مقدمه اول: اسلام دارای فقه مدون ثابت و جهان شمول است.

مقدمه دوم: فقه اسلام چهره دستوری الگوهای رفتاری است.

از دو مقدمه فوق به خوبی می‌توان نتیجه گرفت که اسلام دارای الگوهای رفتاری ثابت و جهان شمول است و با توجه به اینکه الگوهای رفتاری بیان‌کننده روابط مردم با اموال و با یکدیگر است، این ادعا ثابت می‌شود که اسلام دارای نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول است. در ادامه به استدلال تفصیلی پرداخته و برای سهولت فهم ابتدا به توضیح مقدمه دوم می‌پردازیم.

فقه اسلام چهره دستوری الگوهای رفتاری

اسلام افزون بر بینش‌ها، ارزشها و اهداف خاص، دارای فقه مدون نیز هست. مقصود از فقه مدون همه احکام شرعیه‌ای است که می‌توان از آیات و روایات استنباط کرد. «حکم شرعی، قانونی است که به وسیله خداوند متعال برای تنظیم و توجیه حیات انسان صادر می‌شود».^(۱)

حکم شرعی به دو نوع تقسیم می‌شود:

۱- احکام تکلیفیه: که موضوع آن فعل مکلفان است و پنج نوع است: وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه. وجوب و حرمت الزام آورند ولی سه حکم تکلیفی دیگر الزام آور نیستند استحباب، رجحان فعل و کراهت، رجحان ترک فعل را بیان می‌کند

۱. دروس فی علم الاصول، السید محمد باقر الصدر (ره)، دارالکتاب البنانی و المصری، الطبعة الاولى، ۱۹۷۸ م، الحلقة الثانية، ص ۱۳

و اباحه به معنای عدم رجحان فعل و ترک است.

۲- احکام وضعیه: که موضوع آن به طور مستقیم فعل مکلفان نیست ولی می تواند منشأ حکم تکلیفی دیگری واقع شود. در حوزه اقتصاد موضوع این احکام قراردادهای مالی بین افراد می باشد برای نمونه، صحت و فساد دو حکم وضعی هستند که موضوع آن قراردادهائی همچون بیع، اجاره، صلح و امثال آن است. شرطیت، مانعیت، خیار فسخ نمونه های دیگری از این احکام در معاملات می باشد.

برخی از احکام شرعیه ضمانت اجرای دولتی دارند و برخی ندارند مثلاً رباخواری حرام است و معامله ربوی فاسد است و ضمانت اجرای دولتی نیز دارد. یعنی دولت موظف به منع رباخواری است. اسراف نیز حرام است؛ ولی، تا وقتی به مصالح عمومی کشور آسیب جدی نیاورد، از ضمانت اجرای دولتی برخوردار نیست.

در علم حقوق، احکام حقوقی تنها به قواعد الزام آوری گفته می شود که به منظور ایجاد نظم و استقرار عدالت بر زندگی اجتماعی انسان حکومت می کند و اجرای آن از طرف دولت تضمین می شود^(۱) و قواعد الزام آوری که ضمانت اجرای دولتی ندارند یا الزام وار نیستند جزء احکام اخلاقی شمرده می شوند. ولی در فقه به همه احکام اعم از اینکه الزام آور باشند یا نباشند، ضمانت اجرای دولتی داشته باشند یا نداشته باشند، حکم شرعی گفته شده و مورد بحث قرار می گیرند. فقه اسلام در حقیقت مشتمل بر همه احکام حقوقی و اخلاقی است. این همان است که حضرت امام (ره) آنرا تئوری واقعی و کامل اداره انسان و اجتماع از گهواره تا گور خواندند.^(۲)

این احکام برای تنظیم روابط چهارگانه زیر تشریح شده اند:

۱- رابطه انسان با خداوند متعال

۲- رابطه انسان با خود

۱. مقدمه علم حقوق، دکتر ناصر کاتوزیان، شرکت سهامی انتشار، چاپ ۲۲، ۱۳۷۶، ص ۶۰-۶۲.

۲. صحیفه نور، ج ۲۱، ص ۹۸-۹۹.

۳- رابطه انسان‌ها با جهان طبیعت

۴- رابطه انسان‌ها با یکدیگر

در فقه اسلام احکام مربوط به تنظیم روابط فوق با توجه به هدف غائی (کمال و تقرب به خداوند) که در همه ادیان الهی منظور شده است، بر اساس بینش‌ها و ارزشهای اسلامی، تشریح شده است احکام حقوقی و اخلاقی در شریعت اسلام با توجه به همه ابعاد مادی و معنوی و نیز تأثیر و تأثر روابط چهارگانه فوق در یکدیگر در عرصه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و مانند آن تشریح شده است.

در حوزه اقتصاد رابطه انسان‌ها با جهان طبیعت و رابطه آنها با یکدیگر در قالب دستورات و احکام تکلیفی و وضعی بیان گشته است. این احکام می‌تواند منبع خوبی برای استخراج الگوهای رفتاری پیش گفته باشد.

بنابراین می‌توانیم از طریق مطالعه فقه اسلام و با توجه به بینشها و ارزشهای اسلامی و اهداف تعیین شده آن و با استمداد از برهان عقلی این ادعا را به خوبی اثبات کنیم که اسلام دارای نظام اقتصادی به مفهوم پیش گفته است.

اسلام دارای فقه مدون ثابت و جهان شمول است

برای اثبات اینکه اسلام دارای نظام اقتصادی «ثابت و جهان شمول» است باید ثابت کنیم اسلام دارای فقه مدون «ثابت و جهان شمول» است. ولی اگر ثابت شود احکام حقوقی و اخلاقی اسلام که در ضمن آیات و روایات بیان گشته‌اند احکامی مخصوص و محدود به زمان صدور آیات و روایات مزبورند و احکامی ثابت و جهان شمول نیستند در این صورت آنچه را که ما فقه مدون اسلام می‌نامیم نمی‌تواند دلیل بر نظام اقتصادی «ثابت و جهان شمول» اسلام باشد. در این صورت الگوهایی که از آیات و روایات مزبور استخراج می‌شود الگوهایی متناسب با عصر پیامبر (ص) و ائمه معصومین (سلام الله علیهم اجمعین) خواهند بود و قابل تعمیم نیستند. تنها وقتی الگوهای مزبور ثابت و جهان شمولند که از دل احکام ثابت و جهان شمول استخراج شوند.

بنابراین باید ثابت کنیم که اسلام دارای شریعت ثابت و جهان شمول است. چهار دلیل بر این مطلب وجود دارد: (۱)

الف- روایات متعددی وجود دارد که دلالت بر ثابت بودن احکام شریعت تا روز قیامت می‌نماید. برای نمونه یکی از آنها را نقل می‌نمائیم:

سلام بن مستنیر از امام باقر (ع) نقل می‌کند که فرمود:

((جَدُّ مَنْ رَسُولِ خِدا (ص) چنین فرمود: ای مردم احکامی را که من حلال کردم تا روز قیامت حلال است و احکامی را که حرام کردم تا روز قیامت حرام است. آگاه باشید که خداوند عَزَّ وَجَلَّ حلالها و حرامها را در قرآن بیان کرده است و من آنها را در سیره و سنّت خود بیان کرده‌ام...)). (۲)

ب - سیره‌ی ائمه‌ی معصومین (ع) برای بیان احکام مکلفین استناد به آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و ائمه‌ی پیش از خود بوده است همچنین فقهای عصر ائمه و پس از آن تاکنون برای استنباط احکام مکلفین به آیات و روایات استناد می‌کردند. با توجه به اینکه عصر حضور معصومین (ع) بیش از دو قرن به طول انجامیده است و در این دو قرن تحولات گوناگون سیاسی، اقتصادی و فرهنگی رخ داده است و پس از آن نیز تاکنون دنیای اسلام شاهد دگرگونی‌های فراوانی به ویژه در عرصه‌ی اقتصاد بوده است، استناد ائمه (ع) و فقهاء بزرگ اسلام به آیات و روایات دلیل روشنی بر عدم اختصاص این نصوص به زمان صدور آنهاست.

۱. فقهاء شیعه در کتب اصولی خود به این بحث پرداخته و در موارد مختلف به تناسب بر آن استدلال کرده‌اند. برای نمونه در بحث حجیت ظهور (ر.ک: بحوث فی علم الاصول، تقریرات درس خارج شهید آیت الله محمد صدر، سید محمود هاشمی، ج ۳، صص ۲۰۳-۲۳۰) و بحث اختصاص خطایات شرعی به شرعی به مشافهین (ر.ک: تهذیب الاصول، تقریرات درس خارج حضرت امام خمینی (ره) شیخ جعفر سبحانی تبریزی، ج ۲، صص ۴۱-۴۸) و بحث دوران بین تخصیص و نسخ (ر.ک: الرسائل، امام خمینی (ره)، صص ۲۷-۳۲)، زوایای مختلف این بحث مورد بررسی قرار گرفته است.

۲. بحار الانوار، ج ۲، ص ۲۶۰، روایت ۱۷، باب ۳۱، همچنین ر.ک: ج ۲، ص ۱۷۲، باب ۳۲، روایت ۱۳ و ج ۱۱، ص ۵۶، باب ۱، روایت ۵۵ و ج ۱۲، ص ۷، باب ۱، روایت ۱۵ و ج ۳۶، ص ۱۳۲، باب ۳۹، روایت ۸۵ و ج ۶، ص ۹۳، روایت ۱.

ج- آیات و روایاتی که بیانگر احکام و قوانین شریعت اسلامند، اطلاق مقامی دارند. یعنی این احکام در مقام تشریح و قانون‌گذاری صادر شده اند بدون آنکه برای آنها غایتی از جهت زمان ذکر شده باشد. در اینگونه موارد عقلاء به استمرار حکم و حجیت آن بر همه‌ی مکلفین در همه‌ی زمانها حکم می‌کنند.

د- آیات و روایات مزبور غالباً به صورت قضیه‌ی حقیقه صادر شده و دارای اطلاق لفظی اند. قضیه‌ی حقیقه قضیه‌ای است که موضوع در آن عنوان طبیعت شیء است که قابل صدق بر افراد موجود و افرادی که در آینده موجود می‌گردند، می‌شود. برای نمونه قضیه‌ی «آتش می‌سوزاند» یک قضیه‌ی حقیقه است. زیرا لفظ آتش بر طبیعت آتش دلالت می‌کند که قابل صدق بر افراد موجود در حال و موجود در آینده است. اینگونه قضایا گاه با الفاظی که دلالت بر عموم می‌کنند همراهند مانند: «هر آتشی می‌سوزاند»، در اینصورت قضایای مزبور به سبب الفاظ عموم همه‌ی افراد و مصادیق طبیعت را شامل می‌شوند و به سبب اطلاق زمانی بر همه‌ی زمانها دلالت دارند. بر این اساس «هر آتشی می‌سوزاند» یعنی همه‌ی مصادیق آتش در همه‌ی زمانها می‌سوزانند.

گاه اینگونه قضایا با الفاظ عموم همراه نیستند مانند «آتش می‌سوزاند» در اینصورت قضایای مزبور نسبت به افراد و زمانها دارای اطلاق لفظی هستند. از این رو مضمون قضیه‌ی مزبور نیز آن است که همه‌ی مصادیق آتش در همه‌ی زمانها می‌سوزاند.^(۱)

قریب به اتفاق آیات و روایاتی که بیانگر حکم یا قانون شرعی هستند به یکی از دو صورت فوق صادر شده‌اند. برای نمونه برخی آیات و روایات را نقل می‌نمائیم:

۱- (انما الصدقات للفقراء والمساکین و العاملین علیها...) (۲)

«همانا جمیع صدقات (زکات‌ها) متعلق به فقراء و مساکین و کارگزاران و ... می‌باشد»

۱. رک: تهذیب الاصول، امام خمینی (ره)، ج ۲، صص ۴۲-۴۴

۲. توبه (۹۰): ۶۰

در این آیه که بر کیفیت صرف زکات دلالت می‌نماید موضوع «الصّدقات» است. در ادبیات عرب الف و لام اگر بر سر کلمه‌ی جمع (صدقات) بیاید دلالت بر عموم می‌کند. بنابراین «الصّدقات» یعنی «هر صدقه‌ای» و حکم در آیه‌ی مزبور بر طبیعت همراه با الفاظ عموم بار شده و آیه از جهت زمانی اطلاق دارد.

۲- (یسألونک عن الانفال قل الانفال لله و الرسول و...) (۱)

«ای پیامبر از تو از انفال می‌پرسند. بگو انفال برای خدا و رسول و ... می‌باشد» در این آیه حکم مالکیت انفال بیان شده است، همچون آیه‌ی پیشین موضوع، «الانفال» است که مانند کلمه‌ی «صدقات» جمعی است که بر سر آن الف و لام آمده است. این آیه نیز از جهت زمانی اطلاق دارد و لذا همه‌ی مصادیق انفال را در همه‌ی زمانها در بر می‌گیرد.

از امام صادق (ع) چنین روایت شده است:

۳- «الامام یقضی عن المؤمنین الدیون ما خلا مهوور النساء» (۲)

«امام ولی امر مسلمین دیون مؤمنین را به غیر از مهریه‌ی زنان می‌پردازد» در این روایت حکم به صورت قضیه‌ی حقیقه می‌باشد که موضوع آن طبیعت امام یا ولی امر مسلمین است و نسبت به همه‌ی زمانها دارای اطلاق لفظی است. از این رو مضمون آن اینست که امام و ولی امر مسلمین در همه‌ی زمانها موظف است دیون مؤمنین را [که قادر به پرداخت آن نیستند] از بیت المال پرداخت نماید.

از امام باقر (ع) چنین روایت شده است:

۴- «اذا کان علی الرجل دین الی اجل و مات الرجل حلّ الدین» (۳)

«هنگامی که بر عهده‌ی فرد دینی است که مدّت معین دارد، اگر فرد قبل از آن مدّت معین

۱. توبه (۸): ۱

۲. وسائل الشیعه، ۳ جلدی، ج ۱۸، ص ۲۳۷، حدیث ۴

۳. همان، ص ۳۲۴، حدیث ۳

بمیرد، دین حال می شود»

در این روایت نیز حکم به صورت قضیه‌ی حقیقه‌ای که نسبت به همه‌ی زمانها و افراد دارای اطلاق لفظی است وضع شده است.

۵- در برخی روایات فردی از یک مسئله کلی سؤال می‌کند بدون آنکه زمان یا مکان خاصی در سؤال مفروض باشد و امام (ع) نیز جواب آنرا به صورت قضیه‌ی حقیقه‌ای که دارای اطلاق افرادی و زمانی است، داده‌اند:

از امام صادق (ع) سؤال می‌شود:

«مردی مالی را به رهن گذارده سپس رهسپار می‌شود به گونه‌ای که دستیابی به او ممکن نیست، در این صورت آیا می‌توان رهن را فروخت؟ حضرت می‌فرمایند: نه، تا وقتی صاحب رهن برگشته نمی‌توان آن را فروخت»^(۱)

اینگونه آیات و روایات در همه‌ی ابواب به وفور وجود دارند و بیانگر احکام و قوانین ثابت و جهان شمول اسلام‌اند. افزون بر این در برخی روایات حکم همراه با علت^(۲) یا قاعده‌ی کلیه‌ای^(۳) که مستند آن بوده بیان شده و آن علت یا حکم قابل تخصیص به زمان یا افراد خاصی نیست.

کسی که در کتب روایی جستجو نماید ملاحظه خواهد کرد در اکثر روایات حکم به گونه‌ای بیان شده است که تخصیص آن به زمان صدور روایت خلاف ظاهر یا غلط است و تنها تعداد قلیلی از روایات چنین نیستند و احتمال اختصاص آنها به زمان صدور وجود دارد.

البته این بحث بسیار عمیق و دقیق و فنی است و بنظر می‌رسد لازم است پس از بحث و بررسی پیرامون روش تفکیک روایاتی که بیان‌کننده حکمی ثابت و جهان شمولند از روایاتی که چنین نیستند، همه روایات را برای تفکیک این دو از یکدیگر بازبینی نمائیم. همچنین لازم است با این دید به آیات قرآن بنگریم و ثابتات را استخراج نمائیم. این در

۱. همان، ص ۳۸۵، باب ۴ از کتاب الرهن، حدیث ۳

۲. همان، ص ۳۳۹، باب ۱۱ از ابواب دین و قرض، حدیث ۱

۳. همان، ص ۱۵۳، باب ۱۶ از ابواب ربا، حدیث ۳

حقیقت اولین قدم در جهت کشف و استخراج نظامهای اسلامی و از جمله نظام اقتصادی آن از آیات و روایات است.

اشکال ثبات شریعت و تغییر جوامع

با توجه به تغییر جوامع بشری و پیشرفت روز به روز این جوامع در عصر ما چگونه می‌توان مدعی ثبات شریعت و در نتیجه نظامهای اسلامی شد؟ آیا عقلاً چنین چیزی ممکن است؟

بحث مفصل پیرامون این سؤال نیاز به مجال بیشتری دارد. در این مقاله ما تنها می‌توانیم کلیاتی را بیان کنیم که محقق را به یافتن جواب رهنمون می‌شود. به عقیده ما چنین چیزی با توجه به نکات زیر ممکن بلکه لازمه دینی است که اهداف خاصی را برای جوامع بشری در نظر گرفته است.

الف- با توجه به تعریفی که از نظام اقتصادی ارائه کردیم، نظام اقتصادی مجموعه‌ای از الگوهای رفتاری است که شرکت کنندگان در نظام را به یکدیگر و به اموال و منابع پیوند زده و بر اساس مبانی اعتقادی و ارزشی اسلام جهت دستیابی به اهداف خاص مورد نظر اسلام سامان یافته‌اند. تعریف فوق از ۳ عنصر تشکیل شده است:

۱- مبانی اعتقادی و ارزشی

۲- اهداف مورد نظر اسلام در حوزه اقتصاد

۳- الگوهای رفتاری

مفهوم اینکه اسلام دارای نظام اقتصادی «ثابت و جهان شمول» است آن است که اسلام در صدد نهادینه کردن و تثبیت مبانی اعتقادی و ارزشی و نیز الگوهای رفتاری مورد نظر خود در جامعه است تا به اهداف برخاسته از آن مبانی دست یابد. بر این اساس تغییراتی که در چهارچوب عناصر سه گانه فوق متصور است مجاز شمرده می‌شود و باید از تغییراتی که با این عناصر منافات دارد جلوگیری شود. به عبارت دیگر ثابت و جهان شمول بودن نظام اقتصادی اسلام به این مفهوم نیست که اسلام طرحی ارائه می‌نماید که با هر تغییری سازگار است بلکه به این مفهوم است که تغییرات باید در دایره‌ی طرحی که

اسلام ارائه کرده است محصور گردد.

ب - تغییرات در مبانی اعتقادی و ارزشی و اهداف برخاسته از آن به هیچ وجه مجاز نیست. البته تکامل در فهم ما از این مبانی متصور است ولی مضر نیست. برای مثال توحید، ربوبیت و قیمومیت خداوند متعال جزو مبانی اعتقادی نظامهای اسلامی است. گرچه ممکن است در اثر تکامل فهم بشر روز به روز مفاهیم تکامل تری از این امور را درک کنیم ولی تکامل در فهم غیر از تغییر در این امور است. تکامل در فهم مبانی لازم است و موجب می شود که ما نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول اسلام را که بر این مبانی استوار گشته است بهتر درک کنیم و به تدریج زوایای پنهان آنرا بیشتر کشف نماییم.

ج - نسبت به الگوهای رفتاری که بین شرکت کنندگان در نظام و منابع و نیز بین آنها با یکدیگر پیوند ایجاد می کند چگونه متصور است؟

بی تردید بشر در طول زمان در اثر پیشرفت علم و تکنولوژی، منابع پنهانی را کشف می کند و ابزار پیشرفته تر برای استفاده از منابع اختراع می کند و روز به روز بر قدرت بهره برداری خود از منابع می افزاید. همچنین به تدریج و سائل ارتباطات بشری و تکنیکهای آن ترقی می نماید حتی واسطه در معاملات که روزی کالا و روز دیگر طلا و نقره مسکوک بوده به پولهای اعتباری و کارتهای کامپیوتری تبدیل می شود. این تغییرات تا جایی که به تثبیت الگوهای رفتاری مورد نظر اسلام در جامعه آسیب نزنند پذیرفته است. زیرا فرض بر این است که خداوند متعال از روی حکمت متعالیه خود الگوهای مزبور را برای دستیابی به اهدافی چون عدالت، رفاه، استقلال و ... که زمینه ساز وصول به هدف غائی (قرب و کمال) است ارائه کرده است. بر این اساس تغییراتی که با این الگوها منافات دارد در حقیقت با تکامل جوامع بشری از دید اسلام مناقض و لذا ممنوع است.

د - احکام در شرع مقدس اسلام به گونه ای تشریح شده اند که با برخی تغییرات منافاتی نداشته و به تعبیر رساتر آنها را در خود هضم کنند. با توجه به اینکه احکام شرعی برای تنظیم حیات بشری می باشند و الگوهای رفتاری از این احکام استخراج می شوند، لذا می توان نتیجه گرفت که نظام اسلامی و به ویژه نظام اقتصادی آن نیز نسبت

به برخی تغییرات انعطاف‌پذیر است.

ما این مطلب را در حوزه احکام معاملی اسلام که منبع استخراج نظام اقتصادی آن است توضیح می‌دهیم و دو خصوصیت مهم از خصوصیات که انعطاف‌پذیری احکام معاملی را نسبت به برخی تغییرات موجب می‌گردد را بیان می‌کنیم:

۱- همانگونه که پیش‌تر گفتیم، احکام شرع غالباً به شکل قضیه‌ی حقیقیه تشریح شده‌اند. و قضیه حقیقیه، قضیه‌ای است که در آن موضوع، عنوان قابل صدق بر افراد موجود در حال و آینده است.

اینگونه تشریح موجب می‌شود که حکم حلیت به مصادیق خاص بیع که در زمان حضرت رسول (ص) وجود داشته منحصر نگشته و «مصادیق مستحدثه» بیع را نیز شامل شود. لذا اگر در اثر پیشرفت علم و تکنیک وسایل و ابزار تحقق بیع پیشرفت کرد، تا وقتی عنوان خرید و فروش بر آن صادق است حکم حلیت بر آن بار می‌شود. این مطلب در قسمت دوم آیه پیش گفته یعنی «حرم الربا» نیز صادق است. براین اساس حکم حرمت منحصر به مصادیق ربا در زمان حضرت رسول (ص) نمی‌شود و مصادیق مستحدثه آن که در زمان مادر قالب سیستم بانکداری ربوی محقق است- را هم می‌گیرد.

۲- موضوع برخی احکام عناوینی است که نسبت به عناوینی همچون بیع، مضاربه، مساقات، اجاره و مانند آن عمومیت بیشتری داشته و به منزله جنس این عناوین‌اند. برای نمونه آیه شریفه «زیر را در نظر بگیرید»

«یا ایها الذین آمنوا اوفوا بالعقود»^(۱)

عقود عنوان عامی است که شامل بیع و اجاره و سائر عناوین معاملی می‌شود. فقهاء از این آیه وجوب وفاء به عقد را استفاده می‌کنند و مشهور فقهاء عصر ما صحت عقود مستحدثه‌ای را که با قواعد عامه باب معاملات منافات ندارد، با این آیه و امثال آن اثبات می‌کنند. وجود اینگونه احکام در فقه اسلام موجب انعطاف‌پذیری شرع اسلام نسبت به عناوین مستحدثه می‌شود.

اگر با نگاهی روش‌شناسانه تشریح احکام اسلام را بنگریم، خصوصیات دیگری را

۱. سوره مائده آیه ۱

خواهیم یافت که انعطاف‌پذیری شرع اسلام نسبت به تغییرات در مصادیق و عناوین - اگر منافات با مبانی و اهداف نداشته باشد - نشان می‌دهد.

نتایج بحث

در این نوشتار از طریق استدلال کلامی اثبات کردیم که اسلام باید دارای نظام اقتصادی ثابت و جهان شمول به مفهوم پیش گفته باشد و اگر چنین نظامی را ارائه ننماید انسانها را به سوی اهداف موردنظر خود هدایت نکرده است.

افزون بر این از طریق روایات دال بر جامعیت شریعت اسلام و نیز بررسی احکام و قوانین آن نشان دادیم که شریعت اسلام چنین نظامی را ارائه کرده است.

در خاتمه نیز بیان کردیم که ثبات شریعت به مفهوم رهبری تغییرات به سمت اهداف همراه با انعطاف‌پذیری نسبت به برخی تغییرات که با مبانی ارزشی و اهداف منافات ندارند، می‌باشد.

یکی از نتایج مهم این بحث آن است که ما می‌توانیم الگوهای رفتاری و ساختاری روابط بین گروههای اقتصادی را از احکام حقوقی و اخلاقی ثابت و جهان شمول اسلام استخراج نمائیم. به عبارت دیگر با مطالعه نظام‌مند فقه ثابت اسلام می‌توانیم الگوی مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید و پس‌انداز فرد مسلمان و جامعه اسلامی را استخراج کنیم و نیز می‌توانیم برای رفتارهای دولت در اقتصاد الگوسازی کنیم. همچنین نوع رابطه اقتصادی گروههای مردم که از طریق بازارها انجام می‌شود و نوع رابطه دولت و بخش خصوصی در اقتصاد را می‌توان از احکام مربوط به عقود اسلامی و وظایف دولت استخراج نمود و بدین ترتیب نظام اقتصادی اسلام را با ادبیاتی که برای دنیای امروز قابل فهم است بیان کرد. البته روش استخراج الگوها و روابط مزبور از فقه اسلام نیاز به بحث و تحقیق دقیق و عمیق دارد که سزاوار است محققین اقتصاد اسلامی به صورت جدی به آن بپردازند.^(۱)

۱. در این باره مقاله‌ای به همایش «مبانی معرفت‌شناسی و روش‌شناسی اقتصاد اسلامی» در دانشگاه امام صادق علیه السلام تحت عنوان «روش کشف نظام اقتصادی اسلام» ارائه کرده‌ام که تلاش ناچیزی محسوب می‌گردد

مقدمه

به موازات برگزاری اولین همایش تخصصی «ماهیت اقتصاد اسلامی» دردی ماه ۱۳۷۹ در مشهد مقدس، دبیرخانه نشست اقدام به تهیه و توزیع پرسشنامه‌ای با هدف آگاهی از دیدگاهها و نقطه نظرات اعضای نشست درباره موضوع مورد بحث نمود. این پرسشنامه حاوی ده پرسش مختلف پیرامون ماهیت اقتصاد اسلامی بود؛ در این بخش پاسخ اعضا به هریک از پرسشها ارائه می‌شود.

پرسشهای مطرح شده به شرح ذیل می‌باشند:

- ۱- جنابعالی چه تصویری از قلمرو اقتصاد و قلمرو اقتصاد اسلامی دارید؟
- ۲- چه ارتباطی بین فقه و اقتصاد اسلامی ملاحظه می‌کنید؟
- ۳- با توجه به تعریف خود از مکتب و نظام اقتصادی، جایگاه آنها را در اقتصاد اسلامی توضیح دهید؟
- ۴- با توجه به روشهای مختلف موجود، به نظر شما کدام روشها برای بررسی اقتصاد اسلامی مناسبند؟ به چه دلیل؟
- ۵- ارتباط اقتصاد اسلامی با سایر علوم (اصول، کلام، فلسفه، تفسیر و حدیث و ...) را چگونه ارزیابی می‌کنید؟
- ۶- ارتباط کارکرد اقتصاد کشورهای مسلمان با اقتصاد اسلامی را چگونه می‌بینید؟
- ۷- دشواری‌هایی که در مسیر پیشرفت مطالعات اقتصاد اسلامی مشاهده می‌کنید کدامند، به ترتیب اولویت اشاره کنید؟
- ۸- به نظر جنابعالی الگوهای اقتصاد اسلامی تنها برای جوامع مسلمان قابلیت اجرا

دارند، یا امکان استفاده از آن در جوامع غیراسلامی نیز وجود دارد؟

۹- عناصر محوری در فلسفه اقتصاد اسلامی از نظر جنابعالی چیست؟

۱۰- برخی از محققان عقیده دارند، اصولاً معرفتی بنام اقتصاد اسلامی وجود ندارد،

دیدگاه صریح خود را در این رابطه بیان نمایید.

در ادامه پاسخهای هر فرد به تفکیک هر پرسش و به ترتیب حروف الفبای نام

خانوادگی پاسخ دهندگان ارائه می شود.

پرسش ۱- جنابعالی چه تصویری از قلمرو اقتصاد و قلمرو اقتصاد اسلامی دارید؟

الف - علی محمد احمدی: علم اقتصاد در چارچوب اقتصاد کلاسیکی به بررسی و تبیین متغیرهای اقتصادی و روابط آنها و تأثیر آنها در زندگی اجتماعی انسان می پردازد. بالطبع این تفکر اقتصادی از مبانی سرچشمه می گیرد پی گیری نفع شخصی، آزادی اقتصادی، رشد محوری از طریق تجهیز منابع پس انداز از جمله مبانی اقتصاد کلاسیکی است که در این مکتب اقتصادی مورد توجه قرار گرفته و بر اساس این مبانی جوامع سرمایه داری اقدام به نظام سازی اقتصادی نموده اند. اقتصاد اسلامی نیز در گام نخست نیازمند تعریف و تبیین مبانی اقتصادی مربوط به خود می باشد تبیین مبانی اساسی در راستای نظام سازی است لذا می بایست ابتدا تکلیف اصول مشخص گردد آنگاه با بهره گیری از روشهای مطالعه متفاوت از قبیل اقتصاد اثباتی و اقتصاد دستوری به بررسی و تبیین متغیرهای اقتصادی در جوامع اسلامی نمود.

ب - ابوالقاسم اثنی عشری: اقتصاد به مفهوم متعارف آن دانشی است که تولید، توزیع و مصرف بهینه را برای انسان مشخص می کند و دامنه و قلمرو آن رفع حوائج مادی بشری است در صورتیکه اقتصاد اسلامی پا را فراتر از آن می گذارد و به همه ابعاد وجودی انسان توجه دارد و صرفاً نیازهای مادی را مورد توجه قرار نمی دهد.